

## بررسی تطبیقی حضور وکیل در محاکم ایران و مصر

سید محمود بدیعی خیر آبادی<sup>۱</sup>، رسول مقصود پور<sup>۲</sup>، مهدی فیروز آبادیان<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه، ایران  
<sup>۲</sup>استادیار حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران  
<sup>۳</sup>استادیار حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی تربت حیدریه، ایران

نویسنده مسئول: sbadeei@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۵ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۳۰

### چکیده

در نظام حقوقی همه کشورها داشتن وکیل یکی از ابتدائی ترین حقوق اشخاص در پروسه دعاوی و مناقشات آنها در مراجع قضائی است، می توان گفت در ماهیت داشتن وکیل همه کشورها متفق القول هستند ولی شکل به کارگیری، نحوه حضور وکلا یا شرایط و حدود اختیارات آنها در دادگاهها در هر نظام دادرسی متفاوت و برگرفته از قانون آیین دادرسی یا قوانین خاص رسیدگی آنها می باشد. در این مقاله به بررسی تطبیقی وکالت در محاکم ایران و مصر پرداخته و شرایط و نحوه حضور در دعاوی مختلف و حدود و اختیارات و صلاحیت وکلا را بیان کرده ایم تفاوت هایی در نوع وکالت وکیل در دادگاه بدوی و اعلام وکالت و چگونگی احراز وکالت در حقوق مصر با ایران وجود دارد حقوق مصر حضور دو نوع وکیل را در دادگاه بدوی می پذیرد ( وکیل در دعاوی و وکیل در حضور که هر کدام دارای حوزه اختیارات تعریف شده ای است ) ولی در حقوق ایران تنها یک نوع وکیل در جریان دادرسی داریم هر چند ممکن است آن وکیل از نوع اتفاقی یا وکیل رسمی دادگستری یا نماینده حقوقی باشد؛ در حقوق مصر درجه بندی برای وکلا وجود دارد و هر وکیل باید بر مبنای صلاحیت تعریف شده در محکمه با درجه بالاتر حاضر شود؛ ولی در حقوق ایران تنها کارآموزان وکالت جهت شرکت در محاکم مختلف (به لحاظ درجه) محدودیت هایی دارند و باید برابر صلاحیت قانونی در رسیدگی حضور پیدا کنند. برخی تفاوتها چه بلحاظ شکلی و چه ماهوی در دو نظام حقوقی دیده می شود که بعضی از آنها در صورت اعمال در دیگری به عنوان یک مکمل می تواند در قانون کشور مقابل ضعف موجود را برطرف نماید در حوزه های متفاوت هر دو نظام دارای نقاط قوت و ضعف هستند که بررسی تطبیقی این امکان را فراهم می کند تا قانونگذاران با استفاده از این بررسی و اطلاع از نکات مثبت موجود به وضع قواعد و رفع نواقص قانون خود بپردازند.

کلیدواژه: وکالت، وکیل در دعاوی، وکیل در حضور

### مقدمه

غالباً وقتی به مقوله وکالت بر می خوریم آنچه به ذهن متبادر می شود وکالت وکلای رسمی دادگستری در دعاوی است در حالیکه وکالتنامه می تواند در هر حوزه و حرفه ای منعقد و از جانب موکلی که خود دارای حق انجام آن عمل است اعطا شود، در دعاوی با توجه به تخصصی بودن شاخه های علم حقوق خاصه در فنون دفاع و طرح دعوی باید از افراد متخصص و مسلط بر آیین دادرسی کمک گرفت و در بین همه متخصصین علم حقوق بهترین مشاوران و مدافعان وکلایی هستند که دارای پروانه و مجوز معتبر وکالت بوده که در محاکم پذیرفته می شود. از آنجا که امروزه در محاکم دعاوی متنوع و با موضوعات مختلفی در جریان است و از آنجا که شاخه حقوق نیز به زیر شاخه های متعدد و تخصصی تقسیم شده و هر یک از فارغ التحصیلان در یکی از زیر شاخه ها موفق به اخذ مدرک می شوند لذا بهتر است بسته به نوع دعوی مطروحه یا قابل طرح به وکلایی باتخصص در حوزه همان دعوی مراجعه نماییم تا در دفاع یا طرح دعوی به حقوق قانونی خود دست یابیم وکالت در دعاوی با سایر وکالت نامه های مورد نظر قانون مدنی تفاوت هایی دارد هر چند تعریف عقد وکالت برای هر دو منظور تعریف واحدی است که ماده ۶۵۶ قانون مدنی ایران و ماده ۶۹۹ قانون مدنی مصر ارائه می کند<sup>۱</sup> اما وکیل در دعاوی نسبت به وکالت قانون مدنی عموم خصوص مطلق است؛ وکالت در دعاوی امری تخصصی و دارای شرایط و مقرر خاص وکالت است اما برای انجام وکالت

۱- ماده ۶۵۶ ق.م.ایران: وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می نماید

- ماده ۶۹۹ ق.م.مصر: وکالت عقدی است که به موجب آن وکیل متعهد می شود عمل حقوقی از سوی موکل انجام دهد-

موردنظر قانونی مدنی تنها داشتن شرایط مندرج در ماده ۶۶۲ قانون مدنی کفایت می کند. وکالت در دعوی صرفاً طرح دعوی و یا دفاع از حقوق موکل است و بیشتر زمانی معنا پیدا می کند که فرد (موکل) با دیگری به عنوان خواننده یا خواهان وارد دعوی می شود اما در وکالت قانون مدنی موکل برای هر امری که خودموکل می تواند انجام دهد و به لحاظ قانون قائم به شخص و منحصر به فرد نباشد می تواند وکیل بگیرد. از آنجا که قانون مصر به لحاظ ریشه دار بودن وقدمت در بین کشورهای عربی دارای پیشینه قابل تاملی است و به مانند حقوق ایران متأثر از حقوق فرانسه است لذا در این مقاله به صورت تطبیقی به تفاوت ها و شباهت های موجود در مقوله حضور وکلا در محاکم دادگستری می پردازیم.

## فصل اول

### ۱- مبحث اول

در قانون آیین دادرسی مدنی ایران مصوب ۱۳۰۰ مواد ۳۱ الی ۴۷ مربوط به وکالت در دعاوی است همچنین قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ و اصلاحی ۱۳۴۶ با ۵۸ ماده مربوط به قوانین حاکم بر امور وکالت دادگستری می باشد که ذیلاً به به بررسی مواد مذکور و تطبیق آن با قوانین مربوطه در مصر می پردازیم.

#### ۱-۱ تعدد وکلا

ماده ۳۱ ق. ا. د. م. ایران بیان داشته است که هر یک از طرفین دعوا می توانند حداکثر تا دو نفر وکیل داشته باشند و حضور و یا معرفی بیش از دو وکیل به دادگاه رسیدگی کننده مجاز نیست. گرفتن مشاوره و تنظیم لایحه توسط بیش از دو وکیل منعی ندارد ولی حضور در دادگاه و امضای لایحه باید توسط یک یا حداکثر دو وکیل انجام شود. (تعدد وکلادر قانون مدنی ما برای امور غیر از دعاوی پذیرفته شده است ماده ۶۶۹ قانون مدنی ایران) قانون مصر برای انتخاب وکیل توسط موکل محدودیتی قائل نشده و تلویحاً در مواد ۷۷ قانون مرافعات (ماده ۸۵ سابق) و ۷۴۲ قانون مدنی مصر تعدد وکلا پذیرفته شده است و مخالفتی در این زمینه در حقوق مصر نیست و ماده ۷۷ چگونگی حضور و ترتیبات انجام کار وکلای متعدد را بیان داشته است. در این ماده انفرادی عمل کردن وکلا بر خلاف احکام وکالت در قانون مدنی مصر در برخ موارد که مصلحت موکل ایجاب می کند و ممکن است الزام به عمل به اجتماع مغایر منافع موکل باشد مجاز شمرده شده است در حالی که در حقوق ایران تصریحی بر این موضوع نشده است.

#### ۱-۲ نماینده حقوقی

ماده ۳۲ ق. ا. د. م. ایران: وزارت خانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و بطور کلی نهادهای عمومی و اشخاص حقوقی و حقوق عمومی می توانند علاوه بر استفاده از وکلای رسمی دادگستری برای طرح دعوی یا دفاع یا تعقیب دعاوی از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن شرایط مندرج در ماده ۳۲ استفاده نمایند. در قانون آ. د. م. مصر (مرافعات) نیز دستگاههایی را که به خدمات عمومی و عام المنفعه مشغول هستند (می توان گفت اشخاص حقوق عمومی) حق دارند از وکلای خاص خود استفاده کنند و حتی در خصوص کارکنان آنها نیز اگر دعوی مطرح شد این وکلا می توانند در مقام دفاع بر آیند در خصوص هر دعوی نیاز به اعطا وکالت خاص نیست و وکلا به عنوان نماینده حقوقی دستگاه قابلیت دفاع و طرح دعوا را به صورت عام دارند.

#### ۱-۳ شرایط وکلا

ماده ۳۳ ق. ا. د. م. ایران شرایط وکلای متداعیین را شرایط مقرر توسط قانون وکلا دانسته است، قانون وکلا مصوب ۱۳۱۵ شرایط اعطا پروانه وکالت و یا انجام وکالت اتفاقی را در ماده ۲ الی ۵ بیان می دارد (قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ با آخرین اصلاحات ۱۳۴۶/۰۹/۲۳) یعنی تنها کسانی می توانند در دادگاه به عنوان وکیل مدافع حاضر شوند که یا طبق ماده ۳۲ شرایط نمایندگی حقوقی داشته باشند یا به موجب ماده ۳۳ و مقررات مربوط به وکالت دارای پروانه وکالت یا وکیل اتفاقی باشند در قانون آ. د. م. مصر (مرافعات) حضور دو نوع وکیل در جلسات رسیدگی تعریف شده است بدین نحو که یک نفر وکیل در حضور است و یک نفر وکیل در رسیدگی است.

#### ۱-۳-۱ وکیل در حضور

وکیل در حضور میتواند یکی از زوجین یا از بستگان و اقارب تا درجه ۳ باشد یا ولی و قیم برای صغیر و محجور یا نماینده سندیکا برای ورشکسته که این فرد لازم نیست وکیل باشد حتی لازم نیست حقوقدان باشد (قانون مرافعات مصر ماده ۷۲) تفاوت این قسمت با وکالت اتفاقی در حقوق ایران این است که فرد برای بستگان تا درجه ۳ وکالت انجام می دهد، در وکالت اتفاقی فرد باید دارای اطلاعات حقوقی کافی برای وکالت باشد و اینکه وکیل اتفاقی

وکیل در رسیدگی و دفاع از موکل است اما وکیل در حضور صرفا به عنوان نماینده موکل در جلسه رسیدگی حاضر است و دخالتی در جریان رسیدگی و دادن دادخواست یا دفاع از موکل ندارد. مهمترین فایده و دلیل حضور وکیل در حضور اطلاع از جریان رسیدگی و دفاع طرف مقابل و انعکاس آن به موکل خود است و آثار دیگری که بر این محاکمه بار می کند این است که محاکمه و رای صادره دیگر غیابی تلقی نمی شود و حضور وکیل به منزله حضور شخص موکل می باشد.

### ۱-۳-۲ وکیل در دفاع یا دعوا

این وکیل حتما باید فردی باشد که دارای اطلاعات حقوقی بوده و دارای مجوز یا همان پروانه وکالت باشد قانون مصر دادگاه بدوی را بدون حضور وکیل در دفاع و به صرف حضور شخص یا وکیل در حضور قابل برگزاری دانسته است و قانون الزامی برای حضور وکیل در دادگاه بدوی ندارد ولی رسیدگی در دادگاه تجدید نظر شروع نمی شود مگر اینکه وکیل اعلام وکالت نماید و دفاع و قیام شخص موکل در دادگاه تجدید نظر ممنوع است. (ماده ۲۶۶ مراجعات مصر)<sup>۳</sup>

### ۱-۴ وکالت رسمی و عادی

ماده ۳۴ ق. آ. م ایران: وکالت را به صورت رسمی و غیر رسمی می داند یعنی وکالتی را که در دفاتر اسناد رسمی برای وکیل رسمی تنظیم شود و وکیل به استناد آن به دادگاه مراجعه نماید را وکالتنامه رسمی می داند و وکالت نامه ای که در برگه های مخصوص مورد تأیید دادگستری و کانون وکلا توسط خود وکیل تنظیم و ذیل آن تأیید می شود که موکل در حضور ایشان اقدام به مهر و امضا وکالت نموده است را وکالتنامه عادی می نامند هر دو نوع وکالتنامه در نزد مرجع قضائی پذیرفته شده است تنها نکته تمایز وکالت رسمی و عادی در این است که وکالتنامه رسمی قابل تردید و انکار نیست و موکل نمی تواند بگوید این وکالت یا برخی متن آن را قبول ندارم مگر اینکه در اصل امضا موکل ادعا نماید که امضا منتسب به او نیست. در این خصوص قانون مصر نیز دارای رویه واحدی با قانون ایران است و وکالتنامه یا باید به صورت رسمی باشد یا در برگه های عرفی مورد تأیید که به امضا موکل رسیده است باشد، در خصوص وکالتنامه هایی که در خارج از کشور تنظیم شود هر دو کشور دارای روش یکسانی هستند و این وکالتنامه ها باید به تأیید مامورین سیاسی و کنسولی برسند. (مراجعات/ملیجی احمد/ص ۵۵۷)

### ۱-۵ تصریح اختیارات

ماده ۳۵ ق. آ. د. م ایران در مواردی موکل را مکلف نموده است تا حتما در وکالتنامه اعطائی چنانچه بخواهد اختیارات ذیل این ماده را به وکیل واگذار نماید باید تمام مفاد را صراحتا درج نماید و در صورت عدم تصریح وکیل در دادگاه حق انجام امور احصا شده در ماده ۳۵ ق. آ. د. م را نخواهد داشت. در حقوق مصر هر چند ارائه وکالت نامه برای وکیل در حضور در دادگاه بدوی الزامی است و وکیل باید حتما برای حضور وکالتنامه رسمی یا در فرمهای مخصوص ارائه نماید ولی در خصوص وکالت در دعوی برابر ماده ۱۷ قانون وکالت مصر به صرف اعلام شماره و تاریخ و یا تأیید موکل مبنی بر داشتن وکالت و یا تأیید طرف مقابل دعوی مبنی بر داشتن وکالت وکیل دیگر نیاز به ارائه وکالتنامه از جانب وکیل نیست. قانون مصر هم اکنون به مانند قانون وکالت ایران مصوب ۱۳۱۵ صلاحیت وکلا را درجه بندی نموده است (ماده ۳۲ قانون وکالت مصر)<sup>۴</sup>. هر وکیل می تواند در دادگاهی حاضر شود که برابر قانون در صلاحیت اوست. علی ایحال وکیل حق ندارد خارج از حدود اختیارات اعطائی خود در دادگاه عمل نماید و باید برابر حدود اختیارات مندرج در وکالتنامه اعطائی رفتار نماید، ماده 73 مراجعات مصر از وکالت خاص و عام نامبرده وکالت عام را وکالتنامه ای می داند که به طور کلی حق شرکت در کلیه دعاوی و دفاع و اعتراض به طور عام است و وکالت خاص در خصوص دعوی معین با قید موضوع وکالت نامه است. (مراجعات/ص ۵۵۵/شرح ماده ۷۳)

### ۱-۶ عنوان اختیارات

ماده ۳۶ ق. آ. د. م ایران پیرو ماده ۳۵ اختیاراتی را که نیاز به تصریح در وکالت دارد را متذکر می شود، همانگونه که در قانون مصر نیز برابر ماده 73 مراجعات به همین تعیین حدود اختیارات از جانب موکل اشاره شده است. اما در ماده ۷۰۸ قانون مدنی مصر بیان می دارد اگر در وکالت نامه ثابت شود که وکیل حق اعتراض و استیناف را دارد و در متن عبارت هر گونه اعتراض بیان شود این عبارت مطلق است و وکیل اجازه اعتراض دارد هر چند در ماده ۷۰۲ ق. م وکالت خاص و معین بابت دعوا را شرط کرده و به وکالت عام اکتفا نکرده است اما به نظر می رسد در وکالتنامه های مربوط به محاکم به دلیل

<sup>۳</sup> مراجعات/احمد ملیجی/ج ۲ صفحه ۵۳۵/شرح ماده ۷۲

<sup>۴</sup> مراجعات/احمد ملیجی/ج ۲ صفحه ۵۳۹/شرح ماده ۷۲

جلوگیری از تضییع حقوق موکل هر چند تفسیر ماده ۷۳ ق مرافعات در تناقض با ماده ۷۰۲ ق. م است است ولی اصل را بر اختیار موکل بر امکان اعتراض در دعاوی می گیرند

#### ۱-۷ استعفا و عزل وکیل

مواد ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ ق.آ.د.م ایران در خصوص استعفا و عزل وکیل بحث کرده و موکل را موظف به اطلاع رسانی در خصوص عزل وکیل به دادگاه و شخص موکل نموده است ولی در خصوص عزل وکیل جریان دادرسی متوقف نخواهد شد، عدم اطلاع وکیل از عزل موجب نفوذ اعمال او تا قبل از رسیدن خبر عزل خواهد بود ولی دادگاه به محض اطلاع از عزل وکیل ولو اینکه خود وکیل هنوز از مراتب عزل با خبر نشده است دیگر اعمال وکیل را دادرسی موثر نخواهد دانست اما در خصوص استعفای وکیل از وکالت نامه باید به اطلاع دادگاه برسد و دادگاه به موکل اخطار می دهد که شخصا یا توسط وکیل جدید دادرسی را پیگیری کند. در این فقره دادگاه تا مراجعه شخص موکل یا تعیین وکیل جدید حداکثر به مدت یکماه دادرسی را متوقف می کند ولی این توقف بر اساس ماده ۴۰ همان قانون زمانی صورت می پذیرد که هنوز پرونده در مرحله ای باشد که نیاز به اخذ توضیح و دفاع است ولی عزل و استعفا و فوت و یا هر معذوریت دیگری چنانچه در مرحله ای اتفاق بیفتد که نیاز به حضور و اخذ مطالب دیگری برای دادگاه نباشد دادرسی متوقف نخواهد شد. در حقوق مصر در این مورد رفتار و مقرره متفاوتی است به این نحو که در صورت استعفا طبق ماده ۹۲ مرافعات استعفا وکیل در زمان غیر متعارف را شایسته نمی داند و علاوه بر تکلیف بر اعلام استعفا به موکل خود باید در جریان رسیدگی تا تعیین تکلیف و معرفی وکیل جدید باقی بماند، مدت این حضور حداقل یکماه است. حقوق مصر به مانند حقوق ایران استعفا وکیل را پذیرفته ولی تفاوت آن در مسئله مذکور است ولی استعفای بی موقع در هر دو کشور برای وکیل دارای تبعاتی است و از باب مسئولیت مدنی جرائم و مجازاتی را برای وکیلی که بی موقع جریان دادرسی را ترک نماید در نظر گرفته شده است.

#### ۱-۸ حضور وکلا در رسیدگی

ماده ۴۱ ق. آ. د. م ایران حضور وکلا در زمان رسیدگی را الزامی دانسته و فقط معاذیر قانونی که در این ماده احصا شده است به عنوان دلیل عدم حضور در جلسه رسیدگی از وکلا پذیرفته می شود و جلسه دادگاه به دلیل عدم حضور وکیل تجدید خواهد شد این امر منوط به اعلام کتبی دلائل عدم حضور توسط وکیل است جلسه دادگاه برای بار دوم به دلیل عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد همچنین ماده ۴۲ ق. آ. د. م به بیان اولویت و تقدم شرکت وکیلی که به چند جلسه دادرسی دعوت شده پرداخته و اعلام می دارد که وکیل باید در این صورت اولویت حضور را به دادگاهی که حضور او برابر قانون آیین دادرسی کیفری یا سایر قوانین الزامی باشد بدهد. قانون مرافعات مصر در این خصوص تصریحی ندارد تنها در مواد مربوط به حضور وکیل در دادگاه بیان می کند که وکیل باید در صورت عدم حضور در دادگاه لایحه دفاعیه خود را تقدیم کند و دادگاه بدوی بدون حضور وکیل در دفاع تشکیل می شود ولی در دادگاه تجدید نظر باید حتما وکیل در دفاع حاضر باشد و این دادگاه تشکیل نخواهد شد مگر با حضور وکیل و حتی در صورت حضور خواهان در جلسه دادگاه تشکیل نخواهد شد و خواهان حق هیچگونه اظهار نظر یا تقدیم لایحه یا دفاع را ندارد و همه امور باید توسط وکیل انجام شود.

#### ۱-۹ زمان عزل وکیل

ماده ۴۳ ق. آ. د. م ایران زمان مناسب برای عزل و یا استعفا وکیل و یا تعیین وکیل جدید را وقتی می داند که سبب تجدید جلسه دادگاه نگردد در غیر اینصورت دادگاه جلسه خود را به دلیل استعفا یا عزل وکیل در زمان نامناسب تجدید نظر نخواهد کرد البته می توان به صورت بیان این ماده ایراد کرد زیرا در صدر ماده این قید که زمان مناسب برای عزل و استعفا باید انتخاب شود تا سبب تجدید نشود و در ادامه بیان می دارد در هر حال دادگاه به علت استعفا و عزل جلسه را تجدید نمی کند پس می توان برداشت کرد چه زمان استعفا و عزل مناسب باشد چه نباشد دادگاه جلسه رسیدگی خود را تجدید نمی کند. در حقوق مصر برابر ماده ۹۲ ق مرافعات وکیل باید حداقل یکماه پس از زمان استعفای خود روند رسیدگی را دنبال نماید تا موکل نسبت به نصب وکیل جدید اقدام نماید این بدان جهت است که به دلیل نداشتن وکیل حقوق موکل تضییع نشود و همچنین جلسه رسیدگی به تاخیر نیفتد. (مرافعات / ج ۲ ص ۵۶۲)

#### ۱-۱۰ انفراد و اجتماع وکلا

ماده ۴۴ ق. آ. د. م ایران اینطور مقرر می کند که چنانچه موکل ۲ نفر وکیل معرفی نماید و به هیچکدام از آنها حق دفاع یا نوشتن لایحه یا حضور در جلسات را به صورت انفرادی نداده باشد یا باید هر دو وکیل لایحه را ارسال نمایند یا در صورت حضور یکی از وکلا لایحه وکیل دیگر نیز تسلیم گردد و چنانچه یکی از وکلا به تنهایی و بدون حضور وکیل دیگر در جلسه دفاع حاضر شود دادگاه به لایحه و اظهارات وکیل حاضر در جلسه توجهی نمی کند و رسیدگی انجام می شود و چنانچه غیبت هر دو وکیل یا یکی از آنها با عذر موجه باشد دادگاه برای یک نوبت جلسه رسیدگی را تجدید می کند. قانون

مدنی مصر در ماده ۷۰۷ بیان می‌دارد که وکلایی که به صورت مستقل اختیار انجام عملی را ندارند باید به طور مشترک عمل نمایند مگر در مواردی از قبیل دریافت ملک یا پرداخت بدهی یا مواردی که تبادل نظر در آن ضروری نباشد. اما ماده ۷۷ قانون مراعات استثنایی بر ماده ۷۰۷ است و در آن قید شده است که چنانچه وکالت به اجتماع داده شده باشد برای یکی از وکلا عمل به وکالت به صورت انفرادی جایز است در قانون مراعات سابق مصر نیز ماده ۸۵ به بیان این موضوع پرداخته است همچنین قانون مراعات بیان می‌دارد که این استثنا برگرفته از ماده ۱۷۱ قانون چین و ماده ۶۴ قانون ترکیه است البته در همین ماده همچنین بیان می‌دارد که مجاز است از احد وکلا به صورت انفرادی به مورد وکالت عمل نماید مگر اینکه به صورت مصرح موکل عمل انفرادی وکلا را منع کرده باشد این استثنا را می‌توان فقط در موارد رسیدگی به دعوا و پاسخگویی و دفاع از حقوق موکل در دعاوی تسری داد و نظر قانون گذار از وضع آن جلوگیری از توقف رسیدگی و یا تضییع حقوق موکل می‌داند و می‌خواهد روند رسیدگی به دلیل عدم حضور تمام وکلا تعطیل نشود حقوق ایران در این زمینه چنین پیش بینی انجام نداده است که به نظر می‌رسد نظر قانون مصر در این زمینه قابل تامل است و به منطبق نزدیکتر است که برای جلوگیری از تضییع حقوق موکلی که به اعتماد حضور وکلا و دفاع از حقوق او در جلسه رسیدگی حاضر نمی‌شود حال به دلیل عدم حضور یکی از وکلا از حق قانونی خود محروم شود یا اینکه وقت دادگاه به دلیل عدم حضور یکی از وکلا گرفته شود و رواند دادرسی متوقف یا طولانی شود. (مراعات/ج ۲ ص ۵۸۵/شرح ماده ۷۷)

### ۱-۱۱ حدود صلاحیت وکیل

ماده ۴۵ ق. آ. د ایران وکیلی که در وکالتنامه حق شرکت در جلسات دادگاه تجدید نظر یا دیوان عالی کشور را داشته باشد یا حق داشته باشد از طرف خود وکیل دیگری را تعیین نماید یعنی در اصطلاح حق توکیل به غیر داشته باشد چون باید رای دادگاه به او ابلاغ شود چنانچه در موقع ابلاغ رای استعفا کند یا از رویت رای امتناع کند باید رای به موکل ابلاغ شود تاریخ ابلاغ در صورت اطلاع موکل از استعفا ابتدا مدت از تاریخ اطلاع موکل محاسبه خواهد شد و در ماده ۴۶ داریم که ابلاغ دادنامه به وکیلی که اساساً صورت اثبات موکل به عدم اطلاع از استعفا ابتدای مدت از تاریخ اطلاع موکل محاسبه خواهد شد و در ماده ۷۸ ق. مراعات مصر که حق شرکت در مراحل بالاتر دادرسی را ندارد معتبر نخواهد بود و رای در این حالت حتماً باید به موکل ابلاغ شود. اما در ماده ۷۸ ق. مراعات مصر که مطابق ماده ۸۶ قانون سابق است توکیل به غیر را توسط وکیل اولیه یا همان نیابت گرفتن برای وکیل را جایز شمرده است مگر اینکه صراحتاً موکل وکیل خود را از توکیل یا گرفتن نائب منع کرده و این اجازه را از او سلب کرده باشد البته می‌توان گفت ماده ۷۸ نیز استثنایی به قانون مدنی مصر است و چنانچه در وکالت نامه وکیل صراحتاً از توکیل به غیر منع نشده باشد و وکلا متعدد باشند وکیل حق نیابت گرفتن و توکیل را دارد هر چند این خلاف قانون مدنی مصر است، در ایران این حق به وکیل که حق توکیل به غیر ندارد داده نشده است این استثنا قانون مراعات که خلاف قاعده عمومی است به نظر برای وکیل که صراحتاً منع در توکیل نشده است منطقی به نظر می‌رسد و یک امتیاز برای موکل است که وکیلی که امکان حضور در جلسه دادرسی ندارد اختیارات خود را به دیگری تفویض تا او از حقوق موکل دفاع کند و عدم حضور وکیل باعث تضییع حقوق موکل نشود مگر اینکه خود موکل صراحتاً منع بر توکیل به غیر کند که اینجا تقصیری متوجه وکیل نیست و موکل خود بر علیه منافعش تصمیم گرفته است در واقع وضع این ماده در مراعات مصر استثنای بر ماده ۷۰۸ ق. مدنی مصر است که در دعاوی به کار می‌آید دقیقاً ماده ۶۷۳ ق. مدنی ایران نیز مطابق ماده ۷۰۸ ق. مدنی مصر عواقب توکیل بدون اذن را متوجه وکیل اول و وکیل انتخابی می‌داند و مسئولیت دو طرف را تضامنی دانسته است ولی وضع به جای و بموقع ماده ۷۸ در مراعات مصر تخصیص متناسب و مفیدی است که در جای خود دارای کاربرد و کارایی است. (مراعات/ج ۲ ص ۵۸۶/شرح ماده ۷۸)

## فصل دوم

### مبحث اول

#### ۲-۱-۲ ابرخی تفاوت های قابل توجه حقوق ایران و مصر :

- ۱-۱-۲ تعریف دو نوع وکیل در دعاوی و تفاوت وکیل در حضور و وکیل در دفاع (مراعات/ج ۲ ص ۵۳۳ ش ۶۷۴) که در حقوق ایران چنین تفکیکی وجود ندارد و وکیل رسمی حاضر در جلسه رسیدگی هم در دفاع وهم در حضور نائب موکل است. به نظر می‌رسد با اوصافی که از وکیل در حضور گفته شد در برخ موارد جهت رعایت مصلحت موکل حضور یکی از اقارب یا بستگان موکل به عنوان معتمد در کنار وکیل در دفاع دارای مزایایی برای وکیل باشد که در ایران این قابلیت وجود ندارد. (انتقال کامل روند رسیدگی و نحوه دفاع و میزان توانایی وکیل به موکل)
- ۲-۱-۲ عدم پذیرش استعفا وکیل بلافاصله و ادامه وکالت تا زمان معرفی وکیل جدید و حداقل برای مدت یکماه و جلوگیری از توقف دادرسی (مراعات/ج ۲ ص ۵۸۶ ش ۷۰۳) در حالی که در حقوق ایران به محض استعفاء وکیل دادگاه استعفا را می‌پذیرد و دادرسی متوقف می‌شود.
- ۳-۱-۲ درجه بندی وکلا و ایجاد محدودیت در حضور صلاحیت آنها در مراحل مختلف دادرسی به نحوی که تنها وکلایی حق شرکت در دادگاه تجدید نظر را دارند که نام آنها در لیست استیناف باشد (مراعات/ج ۲ ص ۵۳۸) در ایران در گذشته این درجه بندی وجود داشته ولی هم اکنون تنها

محدودیت وضع شده برای کار آموزان وکالت است که در موارد ذیل نمی تواند بر اساس تبصره ۳۵ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت اعلام وکالت کنند.

الف - پرونده هایی که قابلیت فرجام خواهی دارند.

ب - دادگاههای انقلاب بعضا وکالت کار آموزان را نمی پذیرند.

ج - پرونده هایی که در صلاحیت دادگاههای کیفری استان هستند.

د - وکالت در دادگاهها نظامی به دلیل قابلیت فرجام خواهی در دیوان عالی

۲-۱-۴ در حقوق مصر دعوی ذیل باید صرفا به وسیله وکیل رسمی مطرح شود و طرح دعوی از خودخواهان پذیرفته نمی شود (وکالت اجباری)

الف - تحویل دادخواست یا درخواست صدور رای در تجدیدنظر

ب - دعوی که موضوع آن بیش از ۵۰ جنبه باشد (مرافعات/ج ۲/ص ۵۳۸)

در این فقره باید دانست که در دادگاه تجدید نظر خواهان حتی حق قیام و دفاع ندارد و کلیه امور باید توسط وکیل اداره شود. در حقوق ایران داشتن وکیل در هیچ یک از دعوی و مراحل رسیدگی اجباری نیست صرفا ماده ۳۵ قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری و قانون حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ حق حضور وکیل در دعوی حتی در تحقیقات مقدماتی را از حقوق متهم می داند ولی متاسفانه در روبه خیلی از قضات حتی این حق را از متهم سلب و بر اساس برداشت اشتباه از ماده ۱۱۲ و ۱۲۸ ق. آ. د. ک این حق را در اختیار قاضی می داند که بنابر مصلحت و نوع دعوا اجازه حضور وکیل را در جلسات بازپرسی به او بدهد یا نه.

۲-۱-۵ وکیل در حضور باید قبل از رسیدگی رابطه خود با موکل را برای دادگاه مشخص و وکالت نامه ارائه نماید اما وکیل در دعوی نیاز به احراز رابطه ندارد مگر طرف مقابل ایراد کند و خواهان ارائه وکالت وکیل به دادگاه شود. (مرافعات/ج ۲/ص ۵۳۵)

۲-۱-۶ وکیل در دعوا حتما باید وکیل رسمی باشد ولی وکیل در حضور هر کس از اقارب خواهان تا درجه ۳ می تواند باشد (مرافعات/ج ۲/ص ۵۳۳) در حالی که در ایران وکیل باید در ابتدا قبل از رسیدگی وکالت نامه و دفترچه وکالت که همان مجوز انجام وکالت است را ارائه نماید.

۲-۱-۷ در دعوی مصر در دادگاه تجدید نظر باید حتما وکالت نامه ارائه و جریان دادرسی بدون داشتن وکیل دنبال نمی شود. (مرافعات/ج ۲/ص ۵۳۸)

۲-۱-۸ طرح دعوی در دادگاه های مصر علیه دولت مصر از طرف دولت خارجی صرفا و حتما باید با اشتراک با وکیل مصری صورت پذیرد. (مرافعات/ج ۲/ص ۵۵۷/ماده ۴۲)

۲-۱-۹ استدامه در نیابت ولی در خصوص صغیری که به سن رشد رسیده و پدر در دعوا به عنوان ولی جریان رسیدگی را دنبال می کند و نماینده وی در دادگاه محسوب می شود پس چنانچه در جریان رسیدگی صغیر به سن رشد برسد ولایت پدر به پایان می رسد در اینجا قانون مصر سمت نمایندگی پدر را زائل نمی داند و پس از رشد، پدر را وکیل اتفاقی فرزند خود می داند و به او اجازه ادامه شرکت در جریان رسیدگی به عنوان وکیل اتفاقی می دهد (مرافعات/ج ۲/ص ۵۴۷/ش ۶۸۶)، در حالیکه در حقوق ایران برابر ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی پس از رسیدن صغیر به سن رشد دیگر ولایت پدر ساقط است حتی برابر بخشنامه بند ۴۸۵ مجموع بخشنامه های ثبتی وکیلی که توسط ولی برای صغیر تعیین تا به انجام و اداره امور صغیر بپردازد، عنوان وکالت او تا تنفیذ و یا تایید مجددا موکل (صغیر به سن رشد رسیده) غیر نافذ می باشد.<sup>۵</sup>

۲-۱-۱۰ وکالت وکیلی که قبلا در پرونده با عنوان قاضی یا کارشناس اظهار نظر کرده و نقش داشته است در حقوق مصر بلامانع است و وکیل می تواند علی رغم داشتن سمت قبلی در پرونده قبول وکالت نماید (مرافعات/ج ۲/ص ۵۴۷/ش ۶۸۲) در حالی که در حقوق ایران یکی از موانع قبول وکالت اظهار نظر قبلی وکیل در سمت قضائی یا حکم است ماده ۴۰ قانون وکالت ایران چنین بیان می دارد که وکلا نمی توانند در موضوعی که قبلا به واسطه سمت قضائی یا حکمیت از آن اظهار عقیده کتبی کرده اند قبول وکالت کنند.

۲-۱-۱۱ در حقوق مصر وکلا باید الزاما در زمان حضور در دادگاه لباس رسمی وکالت بر تن کنند (مرافعات/ج ۲/ص ۵۶۲/ماده ۷۳). در حالی که در محاکم ایران این قاعده حاکم نیست و لباسی مصوب برای وکلای رسمی دادگستری وجود ندارد.

<sup>۵</sup> بند ۴۸۵ اعتبار وکالت نامه های هر چند مدت دار یا بلاعزل صغار تا سن رشد: استقرار ولایت برای پدر و جد پدری نسبت به مولی علیه تا زمانی است که مولی علیه کبیر و رشید نشده است پس از رسیدن به سن رشد و تحقق کبارت موجهی برای دخالت ولی قهری نیست و کبیر می تواند رأسا در امور خود مداخله نماید با این توصیف نمایندگی قانونی موضوع ماده ۱۱۸۳ ق.م. صرفا محدود به زمان ولایت و تا حد کبر و رشد می باشد و هر وکالت نامه که از طرف ولی قهری برای امور مولی علیه تنظیم شده باشد صرفا تا همان زمان معتبر و قابل استفاده است اعم از اینکه واجد مدت بوده یا بلاعزل باشد. (جوابیه شماره ۷۱۹۰۶ مورخ ۱۳۷۵/۶/۱۸ اداره حقوقی قوه قضائیه - استعلام شماره ۲۶۴۹ - ۷۵/۹ دادپار دادرسی انتظامی قضاوت)

۱۲-۱-۲ تحقیق و تفتیش در مورد وکیل مجاز نیست مگر با هماهنگی کانون وکلا یا همان اتحادیه صنف همچنین پلمپ کانون یادفتر وکیل باید با حضور نماینده یا یکی از اعضا کانون باشد(مرافعات / ماده ۵۱ و ۲۲۴). که به نظر در جهت حفظ شأن و کرامت وکیل و مصونیت از اعمال سلیقه یا نظر برخی مقامات قضایی دور نگه میدارد که به نظر باید کانون و مرکز وکلا ایران در این زمینه تدبیر کنند.

۱۳-۱-۲ وکیل برای تعامل با هر یک از همکارانش یا طرح دعوی علیه آنها باید از کانون (اتحادیه) اجازه بگیرد و راسا مجاز به اقدام نیست. (مرافعات / ج ۲/ص ۵۶۱/ماده ۶۸)

۱۴-۱-۲ هر کس به وکیل اهانت کند و یا تعرض کند تحت تعقیب قرار می گیرد ولو به اشاره یا گفتار باشد (مرافعات / ماده ۵۴)

## مبحث دوم

### ۲-۲ پیشنهاد

- بطور کلی قوانین مصر در بسیاری از موارد به حقوق و قوانین ما نزدیک بوده و شباهت زیادی دارند در برخی تفاوت ها می توان ضعف و یا قوت آن را بررسی و در نقاط قوت با الگو برداری مناسب و تقویت آن در جهت پویاتر شدن قوانین کشور گام برداشت .

- بعنوان مثال موارد مربوط به وکیل در حضور و وکیل در دعاوی دارای نکات ضعف و قوتی است که نظر نگارنده ضرورت حضور وکیلی تحت عنوان وکیل در حضور در دادگاه آنقدر بالا نیست و دارای فواید ویژه و دست آورد خاصی نیست که بخواهیم به عنوان یک مدل و الگو از آن تبعیت کنیم اما بحث مواد ۷۷ و ۷۸ قانون مرافعات که بنا بر مصلحت موکل و سرعت رسیدگی استثنائات بر قانون مدنی وضع کرده است قابل تامل است و می توان از آن به عنوان یک مدل حقوقی در جهت حفظ حقوق اصحاب دعوی استفاده کرد.

- با داشتن وکیل اجباری در برخی دعاوی و مراجع رسیدگی می توان تضمین کننده حقوق خواهان و خوانده بود و جریان رسیدگی را کوتاه تر کرد، زیرا طرفین دعوی غالبا دارای دانش حقوقی نیستند و ممکن است در پروسه دادرسی با طرح مباحث غیر مستند و حاشیه ای و طرح دعوی که به لحاظ دادرسی دارای اثر و منطق و ارزش رسیدگی نیست چرخه دادخواهی را طولانی و سبب افزایش حجم پرونده های قضایی شوند یا مهمتر از این بدلیل عدم آشنایی و تسلط به قوانین امکان دفاع و یا طرح خواسته قانونی خود را نداشته باشند و دچار خسران ضرری شوند که به مراتب به لحاظ مادی و معنوی هزینه ای سنگین تر از به خدمت گرفتن وکیل دادگستری داشته باشد

- انضباط در پوشیدن لباس فرم و یکدست برای وکلا به لحاظ حفظ زیبایی و رعایت شأن در محاکم به نظر الگوی مناسبی باشد یا استدامه در نیابت ولی به جهت جلوگیری از اطاله دادرسی و تضییع حقوق طرفین دعوا از امور قابل الگو برداری است .

- قبول وکالت توسط وکیلی که قبلا در دعوایی نظر خود را اعلام و تحت شرایطی در گذشته به پرونده رسیدگی کرده ممکن است دارای مفسده هایی باشد که منجر به تضییع حق طرف مقابل باشد و حقوق ایران در این زمینه اقدام مناسب و قاعده به جایی وضع کرده است .

## منابع فارسی

۱. منصور، جهانگیر، قانون مدنی ایران، نشر دیدار، تهران،
۲. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، قم، مؤسسه آموزش پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۳ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ با آخرین اصلاحات ۱۳۴۶/۰۹/۲۳
۳. جهانگیر، منصور، قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی.
۴. آذرپور، حمیدرضا، حتی اشرفی، غلامرضا، مجموعه محشای بخشنامه های ثبتی، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۹ ش.
۵. قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ با آخرین اصلاحات ۱۳۴۶/۰۹/۲۳

## منابع عربی

- ۱- ترجمه قانون مدنی مصر / نوری محمد علی / گنج دانش
۲. ملیجی احمد / مرافعات مصراع ۲ باب سوم